

رابطه‌ی آشفته‌گی زناشویی مادران با زندگی فرزندان همسردار آن‌ها

دکتر سیمین حسینیان

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه الزهرا

فاطمه حسینی

مدرس دانشگاه علمی کاربردی، تربیت معلم، و پیام نور

اعظم شفیعی‌نیا

مشاور کلینیک مشاوره و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

سوگند قاسم‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه الزهرا

چکیده

پژوهش پیش رو، که پیوند بین آشفته‌گی‌های زناشویی مادران و فرزندان همسردار آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، از نوع علی-مقایسه‌ی است و جامعه‌ی آماری آن را زنان مراجعه‌کننده به فرهنگ‌سراهای شهر تهران (جهت شرکت در کلاس‌های آموزشی) تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری دردسترس و حجم نمونه شامل ۱۲۰ زن همسردار و شوهران آن‌ها، به همراه مادران هر یک از زوجها است، که در مجموع ۴۸۰ نفر (۲۴۰ زن و شوهر و ۲۴۰ مادرزن و مادرشوهر) را تشکیل می‌دهند. داده‌ها، پس از جمع‌آوری به وسیله‌ی پرسش‌نامه‌ی آشفته‌گی (نارزایتی) زناشویی / انشایر، با استفاده از ضریب همبستگی و برازش چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. ضریب همبستگی مشاهده‌شده بین آشفته‌گی زناشویی مادران و فرزندان همسردار آن‌ها معنادار، و نشان‌دهنده‌ی رابطه میان آشفته‌گی زناشویی مادران با فرزندان همسردارشان بود و نتایج آزمون تفاوت دو ضریب همبستگی نیز نشان داد بین فرزندان پسر و دختر در زمینه‌ی انتقال آشفته‌گی زناشویی مادر تفاوت وجود دارد. نتایج برازش چندمتغیره نشان داد خرده‌مقیاس‌های پرخاش‌گری، ارتباط عاطفی، جهت‌گیری نقش، زمان با هم بودن، تاریخچه‌ی مشکلات خانواده، حل مسأله، رابطه‌ی جنسی، و تربیت فرزند، از عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی آشفته‌گی زناشویی مرد است و خرده‌مقیاس‌های رابطه‌ی جنسی، تربیت فرزند، ارتباط عاطفی، تاریخچه‌ی مشکلات خانواده، جهت‌گیری نقش، آشفته‌گی کلی، پرخاش‌گری، حل مسأله، و زمان با هم بودن، پیش‌بینی‌کننده‌ی آشفته‌گی زناشویی زن است.

واژگان کلیدی

آشفته‌گی زناشویی؛ انتقال بین‌نسلی؛ فرزندان همسردار؛ مادران؛

ازدواج یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان است، زیرا انسان را وارد رابطه‌یی می‌کند که داشتن مسئولیت و تعهد نسبت به همسر و فرزند از ملزومات آن است؛ رابطه‌یی که اگر همراه با انتخاب همسری مناسب باشد، لذت‌بخش و رو به رشد است و در غیر این صورت زجرآور و مانع رشد و شکوفایی توانایی‌های انسان می‌شود (وان اپ^۱ ۲۰۰۸). هم‌بستگی مثبت بین تعارض زناشویی با افسردگی خانواده و مشکلات شغلی، از پی‌آمدهای روانی حاصل از اختلال و آشفتگی زناشویی در ازدواج است (کویی و هم‌کاران^۲ ۱۹۹۳) و بر پایه‌ی گزارش انستیتو ملی سلامت روان آمریکا، اختلال و آشفتگی در ازدواج عامل بسیاری از مشکلات روانی بیماران بستری در بخش روانی بیمارستان‌های آمریکا است. بسیاری از روان‌شناسان و خانواده‌درمان‌گران، مهم‌ترین عامل موفق یا ناموفق بودن ازدواج را ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها، چه‌گونه‌ی تجربه‌های کودکی، و کیفیت روابط بین اعضای خانواده اصلی می‌دانند (وان اپ ۲۰۰۸)؛ در واقع، زن و مرد در حالی پا به زندگی مشترک می‌گذارند که هر کدام وارث تجربه‌ها، نگرش‌ها، عقاید، و باورهای ویژه‌ی حاصل از رشد و زندگی در خانواده‌ی اصلی خود اند. درون‌فکنی‌های آسیب‌زا (اثرات مربوط به والدین) و مشکلات درون‌روانی حل‌نشده‌ی زوج‌ها، روابط زناشویی را آشفته می‌کند و بدین ترتیب، نه‌تنها زن و شوهر را از نعمت تجربه‌های مفید و ارضاکنده‌ی زناشویی محروم می‌سازد، بلکه با تأثیر گذاشتن بر فرزندان، این آشفتگی‌ها و نارضایتی‌ها را به زندگی زناشویی آن‌ها نیز وارد می‌کند (گلدن‌برگ و گلدن‌برگ^۳ ۱۳۸۲). آشفتگی زناشویی در جنبه‌های متعددی از روابط زناشویی، هم‌چون ارتباط عاطفی، حل مسأله، پرخاش‌گری، زمان با هم بودن، مسائل مالی، مسائل جنسی، جهت‌گیری نقش، رضایت از فرزند، و تربیت فرزند اختلال ایجاد می‌کند و بسیاری از کودکان ممکن است با مشاهده‌ی تعارض‌های مزمن و شدید خانوادگی دچار برخی ویژگی‌های شخصیتی شوند که پیش‌بینی‌کننده‌ی کیفیت نامطلوب ارتباط‌های بزرگ‌سالی آن‌ها است. پژوهش‌گران طی مشاهدات خود دریافتند رفتار آینده‌ی فرزندان در زندگی خانوادگی مانند رفتار پدر و مادرشان خواهدبود (پوتوی و ویگنولز^۴ ۲۰۰۸) و فرض انتقال بین‌نسلی نیز بیان‌کننده‌ی این احتمال است که نابه‌سامانی خانوادگی در یک نسل ممکن است نابه‌سامانی خانوادگی در نسل بعد را آسان کند (ساباتلی و بارتل-هرینگ^۵ ۲۰۰۳).

هدف از انجام این پژوهش بررسی پیوند بین آشفتگی‌های زناشویی مادران با فرزندان همسردار آن‌ها است.

^۱ Van Epp, John

^۲ Coie, John D., Norman F. Watt, Stephen G. West, J. David Hawkins, Joan R. Asarnow, Howard J. Markman, Sharon L. Ramey, Myrna B. Shure, and Beverly Long

^۳ Goldenberg, Irene, and Herbert Goldenberg

^۴ Powdthavee, Nattavudh, and Anna Vignoles

^۵ Sabatelli, Ronald M., and Suzanne Burtle-Haring



چهارچوب نظری

پژوهش‌های گذشته، پنج زمینه‌ی کلی کیفیت تجربه‌های کودکی در خانواده‌ی اصلی؛ رشد اخلاقی؛ هم‌سانی زوج‌ها؛ رشد مهارت‌های ارتباطی؛ و الگوهای ارتباطی پیشین را برای پیش‌بینی کیفیت زندگی و آشفته‌گی یا رضایت از زناشویی مشخص می‌کنند (پوتاوی و ویگ‌نولز ۲۰۰۸)، اما به طور کلی نظریه‌هایی را که به تبیین فرضیه‌ی انتقال بین‌نسلی پرداخته‌اند می‌توان به شش دسته‌ی اصلی تقسیم کرد:

۱- این دسته از نظریه‌ها بر پایه‌ی نظریه‌ی شناختی-اجتماعی بندورا شکل گرفته‌است و بر پایه‌ی آن‌ها، مقدار زیادی از شیوه‌های پاسخ‌دهی به موقعیت‌های مختلف، در دوران کودکی و از طریق تأثیرات متقابل شرطی‌سازی کنش‌گر و یادگیری مشاهده‌یی ایجاد می‌شود. فرد، به دلیل پیوند عاطفی با والدین و اطرافیان نزدیک، رفتارها و ارزش‌های آن‌ها را همانندسازی و درونی می‌کند و از آن جا که خانواده اولین مکانی است که انسان انواع تعاملات اجتماعی را مشاهده می‌کند، رفتار والدین به عنوان اولین سرمشق برای رفتارهای آینده‌ی فرزندان به شمار می‌آید. پژوهش‌هایی متعدد، با تأیید این نظریه، نشان می‌دهند که فرزندان تمایل دارند از روش‌های مشابه والدین‌شان در حل مسأله، حل تعارض (پوتاوی و ویگ‌نولز ۲۰۰۸)، ابراز احساسات و عواطف مثبت و منفی در موقعیت‌های تعارض (بروک، وایت‌من، و لو^۱ ۲۰۰۲)، و بروز خشم و عصبانیت در روابط بین‌فردی (دونی، پردی، و نیتز-اسکافر^۲ ۱۹۹۹)، استفاده کنند.

۲- دسته‌ی دیگری از این نظریه‌ها، روابط ولی-فرزندی و به‌ویژه رابطه‌ی مادر-کودک را پایه‌ی کار خود قرار داده‌اند. نظریه‌های مبتنی بر روی‌کرد روان‌پوشی، مثل نظریه‌ی اکرمن^۳، شارف^۴، اسکیر، فرامو^۵، و بوزورمینی-تگی و اسپارک^۶ (۱۹۷۳)، از این جمله‌اند. این نظریه‌ها با تأکید بر ناهشیار بودن رفتارها و هیجان‌های زوج نسبت به یکدیگر، ریشه‌ی مشکلات زناشویی را در گذشته‌ی هر فرد و چه‌گونه‌ی ارتباط وی با افراد نزدیک‌اش در اوایل زندگی جست‌وجو می‌کنند. در این نظریه‌ها، رابطه با والدین در دوران کودکی و فرافکنی آن به روابط صمیمانه‌ی بعدی، تعیین‌کننده‌ی کارکرد فرد در رابطه‌ی صمیمانه‌ی زناشویی و برخورد با مسائلی مانند استقلال، وابستگی، و تعهد است (ساباتلی و بارتل-هرینگ ۲۰۰۳).

¹ Brook, Judith S., Martine Whiteman, and Zheng Lu

² Downey, Geraldine, Valerie Purdie, and Rebecca Neitz-Scaffer

³ Ackerman, Nathan Ward

⁴ Scharff, Jill Savege

⁵ Skynner, Robin

⁶ Framo, James L.

⁷ Boszormenyi-nagy, I, and Geraldine M. Spark

۳- دسته‌ی دیگر نظریه‌ها مربوط به نظریه‌ی دل‌بستگی بالبی^۱ است. بالبی معتقد است کیفیت دل‌بستگی کودک به مادرش بر تمام روابط شخصی وی تأثیر می‌گذارد و با میزان توانایی او در روابط میان‌فردی آینده‌اش ارتباط دارد. پژوهش‌گران با بررسی و مقایسه سبک‌های مختلف دل‌بستگی و پیوند آن با شیوه‌ی حل تعارض زناشویی دریافتند زنانی که از سبک دل‌بستگی ناایمن و مضطرب برخوردار اند برای حل تعارضات زناشویی، تنش، اضطراب، و عواطف منفی، بیش‌تری نسبت به زنان با سبک دل‌بستگی ایمن از خود بروز می‌دهند. نی‌نی و نولر^۲ (۱۹۹۰) نیز در پژوهشی با همین زمینه دریافتند که سبک ایمن دل‌بستگی، هم‌بستگی مثبت و معناداری با میزان ارائه‌ی حمایت و مراقبت همسران و نیز رضایت زناشویی دارد؛ بنا بر این، نوع دل‌بستگی، که پایه‌ی آن در «خانواده‌ی اصلی»^۳ گذاشته می‌شود، در تعاملات و روابط آینده‌ی فرد تأثیر دارد (رسولی ۱۳۸۰).

۴- دسته‌ی دیگر از نظریه‌ها به روابط ولی-فرزندی می‌پردازد. بر پایه‌ی این نظریه، ازدواج‌های مشکل‌دار، حاصل درون‌فکنی‌های آسیب‌زا و معیوب زوج‌ها است که در نتیجه‌ی تجربه‌های گذشته‌ی آن‌ها با افراد مهم زندگی‌شان ایجاد شده‌است. این مشکلات درونی حل‌نشده و مسائل ناتمام گذشته‌ی همسران، نه‌تنها زندگی خودشان را عذاب‌آور می‌کند، بلکه این چرخه‌ی معیوب را ادامه می‌دهد و به نسل‌های بعد منتقل می‌کند (گلدن‌برگ و گلدن‌برگ ۱۳۸۲).

۵- گروهی دیگر از نظریه‌ها نظریه‌ی سیستمی است، که بر پایه‌ی نظریه‌ی بوئن^۴ شکل گرفته‌است. خانواده‌ی سیستمی متشکل از افرادی است که با یک‌دیگر تعامل متقابل دارند و در آن‌ها فرد، بازتابی از کل خانواده است؛ یعنی روابط درهم‌تنیده‌ی اعضای خانواده باعث می‌شود که آن‌ها به جای آن که به صورت فردی و جداگانه عمل کنند، از لحاظ تفکر، رفتار، و احساس، با نظام روابط خانوادگی پیوند داشته‌باشند و از کل سیستم پی‌روی کنند (گلدن‌برگ و گلدن‌برگ ۱۳۸۲). ارزش‌ها، ویژگی‌ها، قواعد، و الگوهای هر خانواده منحصر به همان خانواده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ یعنی هر فرد آن‌ها را از خانواده‌ی اصلی خویش به ارث می‌برد و با آن‌ها وارد ازدواج می‌شود (اسکول‌نیک^۵ ۱۹۷۳، برگرفته از تنای ذاکر ۱۳۷۸). بر اساس این نظریه، افراد به هنگام ازدواج و تشکیل خانواده، همسری را انتخاب می‌کنند که از لحاظ سطح تمایزافتگی شبیه خود آن‌ها است؛ به عبارت دیگر، پیوند عاطفی هر یک از آن‌ها با خانواده‌ی اصلی خود به یک اندازه است؛ در نتیجه،

^۱ Bowlby, John

^۲ Feeney, Judith A., and Patricia Noller

^۳ Family-of-Origin

^۴ Bowen, Murray

^۵ Skolnick, Arlene S.



خانواده‌یی را تشکیل می‌دهند که دارای ویژگی‌های مشابه با خانواده‌ی اصلی آن‌ها است. در دیدگاه بوئن، سیستم عاطفی خانواده‌ی هسته‌یی، یک مفهوم چندنسلی است و افراد گرایش دارند که سبک ارتباطی آموخته‌شده در خانواده‌ی اصلی خویش را در همسرگزینی و سایر روابط مهم خویش تکرار کنند و الگوهای مشابه را به فرزندان‌شان انتقال دهند (گلدن‌برگ و گلدن‌برگ ۱۳۸۲).

۶- دسته‌یی دیگر از نظریه‌ها مانند نظریه‌ی شناختی-رفتاری، با تأکید بر اصول یادگیری، معتقد اند هر یک از همسران، بر اساس ارتباط با خانواده‌ی اصلی، باورها و طرح‌واره‌هایی را درباره‌ی خود و روابط‌شان یاد گرفته‌اند که آن‌ها را در تعاملات زناشویی‌شان دخالت می‌دهند. این طرح‌واره‌ها متأثر از تجربه‌های مشترک با والدین و دیگر نزدیکان است و فرضیه‌هایی درباره‌ی همسر و رابطه‌ی زناشویی، آن گونه که هست و آن گونه که باید باشد، را در بر می‌گیرد. طرح‌واره‌ها ممکن است هشیارانه و یا فراتر از آگاهی فرد شکل گرفته‌باشد و با فعال کردن طرح‌واره‌ها و افکار خودکار^۲ همسر در وضعیت‌های مختلف، پاسخ‌های رفتاری و هیجانی او را به دنبال آورند (اپستین، باکوم، و رنکین^۳ ۱۹۹۳).

مرور مطالعه‌های انجام‌یافته

با توجه به نظریه‌ها و روی‌کردهای مطرح‌شده، پژوهش‌های متعددی فرضیه‌ی انتقال بین‌نسلی را در مورد تأثیر تجربه‌های برگرفته از خانواده‌ی اصلی بر روابط بعد از ازدواج مورد آزمون قرار داده‌اند، اما در این میان سهم پژوهش‌های با روی‌کرد جنسیتی بسیار اندک است. *تالمن، روتولو، و گری*^۴ (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان داد بزرگ شدن در خانواده‌یی که والدین با یک‌دیگر مشکل دارند، امکان بروز همان نوع مشکل را در نسل بعد افزایش می‌دهد و هرچند عوامل زیادی نظیر ارتباط‌های قبل از ازدواج، شناخت و آشنایی قبل از ازدواج، سن ازدواج، و مانند آن می‌تواند اثر آشفتگی‌ها و نارضایتی والدین بر کیفیت زندگی زناشویی نسل بعد را تحت تأثیر قرار دهد، اما نفوذ خانواده‌ی اصلی آن‌قدر زیاد است که تأثیر خود را در نسل بعد حفظ خواهدکرد.

نتایج پژوهش بوث و *آماتو*^۵ (۲۰۰۱)، نیز بیان‌گر این بود که یادگیری ارتباط مناسب زناشویی، به وسیله‌ی مشاهده‌ی ارتباط پدر و مادر با یک‌دیگر صورت می‌گیرد. داشتن پدر و مادری که با یک‌دیگر رابطه‌ی رضایت‌بخش دارند باعث می‌شود زن و شوهر ثبات و

¹ Schema

² Automatic Thought

³ Epstein, Norman, Donald H. Baucom, and Lynn A. Rankin

⁴ Tallman Irving, Thomas Rotolo, and Louis N. Gray

⁵ Booth, Alan, and Paul R. Amato

رضایت زناشویی بیشتر داشته باشند و برعکس، ناسازگاری و ناراضایتی زناشویی والدین، تأثیری منفی بر کیفیت و دوام روابط صمیمانه فرزندان آنها دارد. این افراد، رضایت کم‌تر، آسفتگی بیشتر، و مشکلاتی فراوان‌تر را در زندگی زناشویی خود گزارش کرده‌اند.

وامپلر^۱ و هم‌کاران^۱ (۲۰۰۴) با پژوهش خود نشان دادند همسرانی که در خانواده‌ی اصلی خود تجربه‌هایی منفی، مانند مورد کم‌توجهی بودن، رضامندی زناشویی کم والدین، و دوری‌گزینی را تجربه کرده‌بودند، نظیر همین مشکلات را در تعامل با افراد صمیمی و نزدیک زندگی خویش، یعنی همسر و فرزندان‌شان نشان می‌دهند.

پژوهش هال‌فورد^۲ و هم‌کاران^۲ (۲۰۰۳)، مشخص کرد تجربه‌های مثبت و ارتباط مناسب زناشویی، از ارتباط مناسب پدر و مادر با یک‌دیگر یاد گرفته می‌شود. داشتن پدر و مادری با روابط زناشویی رضایت‌بخش باعث می‌شود زن و شوهر ثبات و رضایت زناشویی بیشتری داشته باشند.

پژوهش پرن و هم‌کاران^۳ (۲۰۰۵)، که بر روی ۶۵ زوج انجام شد، به بررسی تأثیر تجربه‌های خانواده‌ی اصلی روی کیفیت زناشویی پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد همسرانی که کیفیت منفی زندگی زناشویی والدین‌شان را گزارش کرده‌بودند، تغییرات منفی بیشتری را نشان می‌دهند.

کله‌ور^۴ (۲۰۰۵) در یک مطالعه‌ی طولی ۲۰ساله، این فرض بوئن را که سطح کارکرد خانواده تحت تأثیر ثبات یا کارکرد نسل‌های قبلی است، مورد بررسی قرار داد. نمونه‌ی این مطالعه، ۴۹ زوج تازه‌ازدواج کرده و ارزیابی کارکرد خانواده، ترکیبی از مسائل فیزیکی، عاطفی، اجتماعی، و زناشویی اعضای خانواده‌ی هسته‌ی و سه نسل پیشین آنها بود. تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها، فرض بوئن را مورد تأیید قرار داد.

لاوسون و بروسارت^۵ (۲۰۰۴)، در مطالعه‌ی به بررسی انتقال بین‌نسلی صمیمیت و تمایز یافتگی در طی سه نسل، با تکیه بر نظریه‌ی «قدرت فردی در سیستم خانواده»^۶ ی ویلیامسون^۷ پرداختند. در این نظریه، سلامت روان‌شناختی به طور مستقیم به میزان تمایز یافتگی و صمیمیت تجربه‌شده در خانواده‌ی اصلی بستگی دارد. یافته‌ها نشان داد تمایز و ساختارهای مربوط به آن در فرآیند انتقال بین‌نسلی اثرگذاری بیشتری دارد و به این ترتیب، فرضیه‌ی انتقال بین‌نسلی تأیید می‌شود.

^۱ Wampler, Karen S., Lin Shi, Briana S. Nelson, and Thomas G. Kimball

^۲ Halford, W. Kim, Howard J. Markman, Galena H. Kline, and Scott M. Stanley

^۳ Perren, Sonja, Agnes Von Wyl, Dieter Burgin, Heidi Simoni, and Kai Von Klitzing

^۴ Klever, Phillip

^۵ Lawson, David M., and Daniel F. Brossart

^۶ Personal Authority in the Family System

^۷ Williamson, Donald S.



پژوهش کرج‌مر و جاکوویتز^۱ (۲۰۰۲) نشان می‌دهد در درون خانواده، مادر بیش‌ترین تأثیر را روی فرد و حتا روی ازدواج او می‌گذارد؛ در واقع، هر مادر با فرزندش همان گونه رفتار می‌کند که مادر خودش با او رفتار کرده‌است و رفتار مادرانه در مادران نسل اول، شبیه رفتار مادرانه‌ی مادران نسل دوم است. بالبی نیز معتقد است افرادی که در کودکی از داشتن یک مادر مهربان بی‌بهره بوده و یا در خانواده‌ی رشد کرده‌اند که همواره شاهد آشفته‌گی و ناراضی‌تی زناشویی والدین بوده‌اند، به هنگام رسیدن به بزرگسالی، خود به پدر و مادرهایی تبدیل می‌شوند که توانایی مراقبت و تربیت فرزندان خود را ندارند و این دور باطل ادامه خواهد یافت (بریکر^۲ ۲۰۰۶).

ساباتلی و بارتل-هرینگ (۲۰۰۳) دریافتند که ادراک زوج‌ها از خانواده‌ی اصلی، به طوری معنادار بر سازگاری زناشویی اثر دارد. یافته‌های آن‌ها نشان داد افرادی که بعد از ازدواج پاسخ‌گوی انتظارات و نیازهای عاطفی همسران‌شان بودند، یک الگوی عملی از تعاملات، مدیریت حل تعارض، و صمیمیت را در خانواده‌ی اصلی خود داشته‌اند. همسران، مهارت حل تعارض و حفظ صمیمیت را با الگوگیری از رفتارهای والدینی یاد می‌گیرند (بوت و آمانو ۲۰۰۱؛ برادبوری و کرنی^۳ ۲۰۰۴؛ شیور و میکولینسر^۴ ۲۰۰۵).

گودمن^۵ (۲۰۰۷) در پژوهش خود به تجزیه و تحلیل کیفی توضیح و تفسیر مادر بزرگ‌ها درباره‌ی ارتباط بین سه عضو کلیدی خانواده، یعنی مادر بزرگ‌ها، فرزندان، و نوه‌های آنان پرداخت. توضیح این افراد درباره‌ی الگوی رابطه‌های شکل‌گرفته بر پایه‌ی دوری و نزدیکی عاطفی در بین سه نسل و نیز روش‌های حل مسأله، ارتباط عاطفی، و مدیریت هیجان‌ها نشان داد بیش‌تر خانواده‌ها رابطه‌ی نزدیکی و عاطفی با یک‌دیگر داشتند و این رابطه مستلزم ارتباط مناسب پدر و مادر با فرزندان و نیز با والدین‌شان بود.

برادبوری و کرنی (۲۰۰۴) می‌گویند پرخاش‌گری، عواطف منفی، و رفتارهای بین‌فردی ناسازگارانه می‌تواند به عنوان الگوهای بین‌نسلی در نظر گرفته‌شود. کودکان و نوجوانان رفتارهای بین‌فردی ناسازگارانه را در درون خانواده یاد می‌گیرند و رفتارها و هیجان‌های خود را از طریق تعامل با اعضای خانواده گسترش می‌دهند. این رفتارها می‌تواند به ارتباط‌های دیگر نیز سرایت پیدا کند.

ارن‌سافت و هم‌کاران^۶ (۲۰۰۳) در یک نمونه‌ی غیرتصادفی، ۵۴۳ کودک را به مدت ۲۰ سال مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد کودکانی که شاهد خشونت زناشویی پدر و

¹ Kretchmar, Molly D., and Deborah B. Jacobvitz

² Bricker, Dale

³ Bradbury, Thomas N., and Benjamin R. Karney

⁴ Shaver, Phillip R., and Mario Mikulincer

⁵ Goodman, Catherine Chase

⁶ Ehrensaft, Miriam K., Patricia Cohen, Jocelyn Brown, Elizabeth Smaites, Henian Chen, and Jeffrey G. Johnson

مادر خود بودند، هم در معرض خطر ابتلا به اختلال سوء‌مصرف مواد و اختلالات رفتاری بودند و هم در رابطه‌ی زناشویی‌شان دست به خشونت می‌زدند.

سگریز، تیور، و آلت‌من^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی انتقال بین‌نسلی طلاق، با تأکید بر نظریه‌ی شناختی-اجتماعی پرداختند. نمونه شامل ۸۲۱ بزرگ‌سال بود و نتایج نشان داد افرادی که والدین‌شان آشفتگی زناشویی و طلاق را تجربه کرده‌بودند، با احتمالی بیش‌تر، آشفتگی زناشویی و طلاق را تجربه خواهند‌کرد.

نتایج پژوهش کورا و آلن^۲ (۲۰۰۴) بر روی ۳۵۲ مرد و ۲۹۶ زن دانشجو نشان داد خشونت والدین مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت زناشویی است.

هال‌فورد و هم‌کاران (۲۰۰۳) تأثیر مشاهده‌ی خشونت زناشویی در خانواده‌ی اصلی را روی کنترل آشفتگی زناشویی زوج‌های جوان مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن بود که در بین همسرانی که شوهر، خشونت زناشویی را در خانواده‌ی اصلی خود گزارش کرده‌بود، در مقایسه با همسرانی که هیچ‌کدام خشونت زناشویی را در خانواده‌ی اصلی خود گزارش نکرده‌بودند، احساسات منفی بیش‌تری در طول یک موقعیت تعارض‌آمیز رد و بدل می‌شد و از سوی دیگر، همسرانی که فقط زن، خشونت زناشویی را در خانواده‌ی اصلی خود گزارش کرده‌بود، تفاوتی معنادار با همسرانی که هیچ‌کدام خشونت زناشویی را در خانواده‌ی اصلی خود گزارش نکرده‌بودند نداشتند.

رضایی (۱۳۷۸، برگرفته از رسولی ۱۳۸۰) با بررسی تأثیر کارایی خانواده‌ی نسل اول بر خانواده‌ی نسل بعد، روابطی معنادار را بین کارایی خانواده در دو نسل نشان داد و رسولی (۱۳۸۰) نیز با بررسی تأثیر الگوهای ارتباطی زوج‌های نسل اول بر الگوهای ارتباطی ۱۵۳ زوج نسل دوم، روابطی معنادار را بین الگوهای ارتباطی دو نسل از همسران ارائه کرد. با توجه به گفته‌های بالا، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی آشفتگی‌های زناشویی مادران و فرزندان همسران آن‌ها، با تأکید بر انتقال بین‌نسلی است و بر این اساس، سؤال‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱- آیا بین آشفتگی زناشویی مادران با آشفتگی زناشویی فرزندان همسران آن‌ها رابطه وجود دارد؟

۲- آیا بین آشفتگی زناشویی مادران در مسائل جنسی، با آشفتگی زناشویی فرزندان همسران آن‌ها در این زمینه رابطه وجود دارد؟

^۱ Segrin, Chris, Melissa E. Taylor, and Julie Altman

^۲ Kaura, Shelby A., and Craig M. Allen.



- ۳- آیا بین آشفته‌گی زناشویی مادران در حل مسأله، با آشفته‌گی زناشویی فرزندان همسردار آنها در این زمینه رابطه وجود دارد؟
- ۴- آیا بین آشفته‌گی زناشویی مادران در پرخاش‌گری، با آشفته‌گی زناشویی فرزندان همسردار آنها در این زمینه رابطه وجود دارد؟
- ۵- آیا بین آشفته‌گی زناشویی مادران در مسائل مالی، با آشفته‌گی زناشویی فرزندان همسردار آنها در این زمینه رابطه وجود دارد؟
- ۶- آیا بین آشفته‌گی زناشویی مادران در ارتباط عاطفی، با آشفته‌گی زناشویی فرزندان همسردار آنها در این زمینه رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش علی-مقایسه‌ی است و جامعه‌ی آماری آن شامل زن و شوهران ساکن در شهر تهران و مادران آنها است. این زن و شوهرها با یکدیگر زندگی می‌کنند و زنان جهت شرکت در کلاس‌های آموزشی به فرهنگ‌سراها مراجعه کرده‌اند. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری دردسترس استفاده شد؛ بنا بر این، از زنان شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزشی که آمادگی خود را جهت شرکت در پژوهش اعلام کرده‌بودند، سؤال‌هایی پرسیده‌می‌شد تا مشخص شود شرایط ورود به نمونه‌ی پژوهش را دارند یا خیر. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از:

- ۱- همسر این زنان در قید حیات باشند؛
- ۲- از ازدواج آنها دست‌کم پنج سال گذشته‌باشد؛
- ۳- دست‌کم یک فرزند داشته‌باشند؛
- ۴- مادر و مادر شوهر آنان در قید حیات باشند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش، میزان آشفته‌گی زناشویی به وسیله‌ی فرم بازبینی‌شده‌ی پرسش‌نامه‌ی ناراضایتی زناشویی /اشنایدر^۱ اندازه‌گیری شده‌است. این پرسش‌نامه، که در ۱۹۹۷ به وسیله‌ی اشنایدر ساخته‌شده، یک ابزار خودگزارش‌دهی ۱۵۰سوالی است که برای شناسایی ماهیت و میزان آشفته‌گی در روابط زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد (مینز- کریستن‌سن، اشنایدر، و نگی^۲

^۱ Snyder, Douglas K.

^۲ Means-Christensen, Adrienne J., Douglas K. Snyder, and Charles Negy

۲۰۰۷) و دارای دو مقیاس روایی (ناپایداری و قراردادگرایی)؛ یک مقیاس آشفتگی کلی^۱؛ و ده مقیاس سنجش آشفتگی در ابعاد مختلف روابط زناشویی شامل ارتباط عاطفی^۲؛ ارتباط جهت حل مشکل^۳؛ پرخاش‌گری^۴؛ زمان با هم بودن^۵؛ مسائل مالی^۶؛ مسائل جنسی^۷؛ تاریخچه‌ی مشکلات خانوادگی^۸؛ رضایت از فرزندان^۹؛ تعارض درباره‌ی تربیت فرزند^{۱۰}؛ و جهت‌گیری نقش^{۱۱} است. سؤال‌ها به صورت صفر و یک نمره‌گذاری شده‌است و نمره‌های مربوط به هر خرده‌مقیاس با هم جمع می‌شوند. در این پرسش‌نامه، نمره‌ی بالا نشانه‌ی آشفتگی بیش‌تر و نمره‌ی پایین نشانه‌ی رضایت بیش‌تر یا آشفتگی کم‌تر است.

اشنایدر دو نوع اعتبار شامل ثبات درونی و آزمون مجدد را برای پرسش‌نامه‌ی آشفتگی (ناراضیتی) زناشویی بیان کرده، که نتایج اعتبار ثبات درونی بر حسب آلفای کرون‌باخ، بیان‌گر اعتبار بالا (میانگین ۰/۸۲) برای این آزمون است و دامنه‌ی نتایج آلفا برای مقیاس‌های مختلف نیز از ۰/۹۳ تا ۰/۷۰ بوده‌است. وی هم‌چنین پنج نوع روایی تجربی، عاملی، پیش‌بین، تشخیص یا واگرا، و هم‌گرا را برای پرسش‌نامه مورد بررسی قرار داده‌است. نتایج مربوط به اعتبار آزمون مجدد این پرسش‌نامه، که به وسیله‌ی سلیمانیان (۱۳۸۴) بر روی یک نمونه‌ی ۲۰ نفری از جامعه‌ی آماری اجرا شد، دارای دامنه‌ی بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۶ و میانگین ۰/۷۸ است. روایی سازه‌ی پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی و روایی محتوایی آن به وسیله‌ی پنج تن از استادان مشاوره مورد تأیید قرار گرفت. اعتباریابی مجدد پرسش‌نامه روی نمونه‌ی ۴۸۰ نفری از جامعه‌ی آماری، دارای دامنه‌ی ۰/۸۰ و میانگین ۰/۷۷ است.

روش اجرای پژوهش

به افراد نمونه، چهار نسخه از پرسش‌نامه‌ی آشفتگی (ناراضیتی) زناشویی داده‌شد، که فرد موظف بود پس از پرشدن آن‌ها به وسیله‌ی خود، مادر، همسر، و مادر همسر (هر کدام یک نسخه) آن‌ها را به مسئول فرهنگ‌سرا تحویل دهد.

^۱ سوالات ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰،



ویژگی‌های آماری آزمودنی‌ها

سطح تحصیلات افراد نمونه در دامنه‌ی از زیر دیپلم تا کارشناسی ارشد و بالاتر، و تعداد فرزندان آن‌ها بین ۱ تا ۹ فرزند بود.

در جدول ۱ فراوانی و درصد سن زنان گروه نمونه مشاهده می‌شود. زنانی که در محدوده‌ی سنی ۳ تا ۲۶ سال قرار دارند دارای بیش‌ترین فراوانی (۳۲/۵ درصد) و زنان گروه سنی ۲۳ تا ۴۶ سال دارای کم‌ترین میزان فراوانی (۱/۷ درصد) اند. میانگین سن گروه مورد مطالعه نزدیک به ۳۰ سال و انحراف معیار آن ۵/۶۴ سال است.

جدول ۱- فراوانی و درصد سن زنان گروه نمونه

سن	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار		
۱۹ تا ۲۲	۶	۵/۰	۲۹/۶۷	۵/۶۴		
۲۳ تا ۲۶	۳۹	۳۲/۵				
۲۷ تا ۳۰	۲۹	۲۴/۲				
۳۱ تا ۳۴	۲۰	۱۶/۷				
۳۵ تا ۳۸	۱۵	۱۲/۵				
۳۹ تا ۴۲	۹	۷/۵				
۴۳ تا ۴۶	۲	۱/۷				
جمع	۱۲۰	۱۰۰/۰				

در جدول ۲ فراوانی و درصد سن مردان گروه نمونه آورده شده است. بیش‌ترین فراوانی به مردانی اختصاص دارد که در محدوده‌ی سنی ۲۸ تا ۳۱ سال قرار دارند (۲۵/۸ درصد) و کم‌ترین میزان فراوانی به گروه سنی ۵۲ تا ۵۵ سال اختصاص دارد (۰/۸ درصد). میانگین سن گروه مورد مطالعه نزدیک به ۳۵ سال و انحراف معیار آن ۶/۰۷ سال است.

جدول ۲- فراوانی و درصد سن مردان گروه نمونه

سن	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار		
۲۴ تا ۲۷	۱۴	۱۱/۷	۳۴/۶۱	۶/۰۷		
۲۸ تا ۳۱	۳۱	۲۵/۸				
۳۲ تا ۳۵	۲۸	۲۳/۳				
۳۶ تا ۳۹	۱۹	۱۵/۸				
۴۰ تا ۴۳	۱۷	۱۴/۲				
۴۴ تا ۴۷	۸	۶/۷				
۴۸ تا ۵۱	۲	۱/۷				
۵۲ تا ۵۵	۱	۰/۸				
جمع	۱۲۰	۱۰۰/۰				

در جدول ۳ فراوانی و درصد سن مادرزن‌های گروه نمونه آورده شده‌است. گروه سنی ۴۹ تا ۵۲ سال بیش‌ترین میزان فراوانی (۲۷/۵ درصد) و گروه سنی ۶۹ تا ۷۲ سال کم‌ترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده‌است (۰/۸ درصد). میانگین سن گروه مورد مطالعه نزدیک ۵۳ سال و انحراف معیار آن ۶/۰۸ سال است.

جدول ۳- فراوانی و درصد سن مادرزن‌های گروه نمونه

سن	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار		
۴۱ تا ۴۴	۹	۷/۵	۵۳/۱۷	۶/۰۸		
۴۵ تا ۴۸	۱۶	۱۳/۳				
۴۹ تا ۵۲	۳۳	۲۷/۵				
۵۳ تا ۵۶	۲۳	۱۹/۲				
۵۷ تا ۶۰	۲۶	۲۱/۷				
۶۱ تا ۶۴	۷	۵/۸				
۶۵ تا ۶۸	۵	۴/۲				
۶۹ تا ۷۲	۱	۰/۸				
جمع	۱۲۰	۱۰۰/۰				

در جدول ۴ فراوانی و درصد سن مادرشوهرهای گروه نمونه آورده شده‌است. گروه سنی ۶۲ تا ۵۹ سال دارای بیش‌ترین فراوانی (۲۵/۰ درصد) و گروه سنی ۳۹ تا ۴۲ سال دارای کم‌ترین تعداد فراوانی (۰/۸ درصد) است. میانگین سن گروه مورد مطالعه نزدیک به ۵۸/۵ سال و انحراف معیار آن ۷/۰۰ سال است.

جدول ۴- فراوانی و درصد سن مادرشوهرهای گروه نمونه

سن	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
۳۹ تا ۴۲	۱	۰/۸	۵۸/۴۹	۷/۰۰
۴۳ تا ۴۶	۳	۲/۵		
۴۷ تا ۵۰	۱۷	۱۴/۲		
۵۱ تا ۵۴	۱۱	۹/۲		
۵۵ تا ۵۸	۲۷	۲۲/۵		
۵۹ تا ۶۲	۳۰	۲۵/۰		
۶۳ تا ۶۶	۱۴	۱۱/۷		
۶۷ تا ۷۰	۱۳	۱۰/۸		
۷۱ تا ۷۴	۲	۱/۷		
۷۵ تا ۷۸	۲	۱/۷		
جمع	۱۲۰	۱۰۰/۰		



یافته‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌ها از ضریب هم‌بستگی و برازش چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۵- ضرایب هم‌بستگی حیطه‌های آشفتگی زناشویی مادر مرد و مرد ($N = 120$)

ضریب هم‌بستگی	حیطه‌ی آشفتگی
۰٫۸۴**	قراردادگرایی
۰٫۸۴**	آشفتگی کلی
۰٫۷۵**	ارتباط عاطفی
۰٫۸۷**	حل مسأله
۰٫۷۳**	پرخاش‌گری
۰٫۶۲**	زمان با هم بودن
۰٫۷۸**	مسائل مالی
۰٫۸۷**	رضایت جنسی
۰٫۶۹**	جهت‌گیری نقش
۰٫۷۶**	تاریخچه‌ی خانوادگی
۰٫۸۷**	رضایت از فرزند
۰٫۷۷**	تربیت فرزند
۰٫۸۷**	نمره‌ی کل

$p < ۰٫۰۰۰۱$ ** $p < ۰٫۰۰۰۵$ *

جدول ۶- ضرایب هم‌بستگی حیطه‌های آشفتگی زناشویی مادر زن و زن ($N = 120$)

ضریب هم‌بستگی	حیطه‌ی آشفتگی
۰٫۷۳**	قراردادگرایی
۰٫۸۷**	آشفتگی کلی
۰٫۸۳**	ارتباط عاطفی
۰٫۸۸**	حل مسأله
۰٫۵۶**	پرخاش‌گری
۰٫۹۱**	زمان با هم بودن
۰٫۷۱**	مسائل مالی
۰٫۹۲**	رضایت جنسی
۰٫۲۸**	جهت‌گیری نقش
۰٫۶۳**	تاریخچه‌ی خانوادگی
۰٫۶۵**	رضایت از فرزند
۰٫۷۴**	تربیت فرزند
۰٫۹۴**	نمره‌ی کل

$p < ۰٫۰۰۰۱$ ** $p < ۰٫۰۰۰۵$ *

با توجه به نتایج جدول ۵، کلیه‌ی ضرایب هم‌بستگی معنادار اند. بیش‌ترین ضریب هم‌بستگی متعلق به خرده‌مقیاس‌های حل مسأله، رضایت از فرزند، و رابطه‌ی جنسی ($r = ۰٫۸۷$)، و کم‌ترین میزان ضریب هم‌بستگی مربوط به خرده‌مقیاس زمان با هم بودن

($r = 0.62$) است. هم‌بستگی‌ها، مثبت و در جهت مستقیم است و با توجه به جدول بالا می‌توان گفت بین حیطه‌های آشفته‌گی زناشویی مادر مرد و آشفته‌گی‌های زناشویی مرد رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول ۶ کلیه‌ی ضرایب هم‌بستگی معنادار اند. بیش‌ترین ضریب هم‌بستگی متعلق به خرده‌مقیاس رضایت جنسی ($r = 0.92$) و کم‌ترین میزان هم‌بستگی مربوط به خرده‌مقیاس جهت‌گیری نقش ($r = 0.38$) است. به‌جز حیطه‌ی آشفته‌گی کلی، سایر هم‌بستگی‌ها، مثبت و در جهت مستقیم است و با توجه به جدول بالا می‌توان گفت بین حیطه‌های آشفته‌گی زناشویی مادرزن و آشفته‌گی‌های زناشویی زن رابطه وجود دارد.

در جدول ۷ میزان R^2 و میزان تغییرات آن با اضافه شدن هر متغیر جدید آورده شده‌است. با توجه به نتایج مندرج در جدول، با اضافه شدن متغیر دوم (تعارض بر سر تربیت فرزند) 0.07 ، متغیر سوم (رابطه‌ی جنسی) 0.05 ، متغیر چهارم (مهارت حل مسأله) 0.03 ، متغیر هفتم (تاریخچه‌ی مشکلات خانوادگی) 0.02 ، و متغیر نهم (جهت‌گیری نقش) 0.03 به مقدار واریانس تبیین شده به وسیله‌ی اولین متغیر (آشفته‌گی کلی) اضافه شده‌است. در مجموع، این متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، 93 درصد واریانس را تبیین می‌کنند ($r = 0.93$) و نقش عوامل باقی‌مانده فقط به 0.07 می‌رسد.

جدول ۷- ضرایب هم‌بستگی چندگانه و شاخص‌های تجزیه و تحلیل برازش چندمتغیره (مرد و مادر مرد)

گام	ضریب هم‌بستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد	مقدار تغییر R^2
۱	۰/۸۲	۰/۶۹	۰/۶۹	۱۵/۹۰	۰/۶۹۰
۲	۰/۸۷	۰/۷۷	۰/۷۶	۱۳/۹۲	۰/۰۷۲
۳	۰/۹۰	۰/۸۱	۰/۸۱	۱۲/۵۰	۰/۰۴۶
۴	۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۸۳	۱۱/۵۹	۰/۰۳۷
۵	۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۸۳	۱۱/۵۸	-۰/۰۰۱
۶	۰/۹۲	۰/۸۵	۰/۸۴	۱۱/۳۰	۰/۰۰۹
۷	۰/۹۳	۰/۸۷	۰/۸۶	۱۰/۴۳	۰/۰۲۳
۸	۰/۹۴	۰/۸۹	۰/۸۸	۹/۶۸	۰/۰۱۰
۹	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۹۱	۸/۳۶	۰/۰۲۸
۱۰	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۹۲	۸/۱۳	۰/۰۰۵
۱۱	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۲	۷/۹۶	۰/۰۰۴
۱۲	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۲	۷/۷۸	۰/۰۰۴



همان گونه که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، پس از انجام محاسبات برازش طی ۱۲ گام، در مرحله‌ی ۱۲ مشخص شد که آشفتگی زناشویی مادر مرد در زمینه‌های پرخاش‌گری، ارتباط عاطفی، جهت‌گیری نقش، زمان با هم بودن، تاریخچه‌ی مشکلات خانواده، حل مسأله، رابطه‌ی جنسی، و تربیت فرزند، از عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی آشفتگی زناشویی مرد است.

جدول ۸- ضرایب برازش گام‌به‌گام

بین عوامل تشکیل‌دهنده‌ی آشفتگی‌های زناشویی مادر مرد و نمره‌ی ملاک آشفتگی زناشویی مرد

متغیر پیش‌بینی‌کننده	ضریب متغیر	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	t	سطح معناداری
پرخاش‌گری	۰/۹۵	۰/۳۸	۰/۱۳	۲/۴۶	۰/۰۱
ارتباط عاطفی	۱/۶۶	۰/۴۶	۰/۲۰	۳/۵۸	۰/۰۰۱
جهت‌گیری نقش	۱/۶۵	۰/۲۷	۰/۱۸	۶/۰۱	۰/۰۰۰
زمان با هم بودن	-۳/۲۲	۰/۴۲	-۰/۳۲	-۷/۶۱	۰/۰۰۰
تاریخچه‌ی مشکلات خانواده	-۳/۲۰	۰/۴۶	-۰/۲۴	-۶/۹۲	۰/۰۰۰
حل مسأله	۲/۱۲	۰/۲۹	۰/۳۱	۷/۱۸	۰/۰۰۰
رابطه‌ی جنسی	۳/۵۸	۰/۳۵	۰/۴۳	۱۰/۱۴	۰/۰۰۰
تربیت فرزند	۴/۰۹	۰/۳۷	۰/۳۹	۱۰/۹۶	۰/۰۰۰
ضریب ثابت	-۲۳/۴۷	۸/۷۲		-۲/۶۹	۰/۰۰۸

معادله‌ی پیش‌بینی به این شرح است:

$$\begin{aligned}
 \text{آشفتگی زناشویی مرد} &= ۰/۹۵ \times \text{پرخاش‌گری} \\
 &+ ۱/۶۶ \times \text{ارتباط عاطفی} \\
 &+ ۱/۶۵ \times \text{جهت‌گیری نقش} \\
 &+ -۳/۲۲ \times \text{زمان با هم بودن} \\
 &+ -۳/۲۰ \times \text{تاریخچه‌ی مشکلات خانواده} \\
 &+ ۲/۱۲ \times \text{حل مسأله} \\
 &+ ۳/۵۸ \times \text{رابطه‌ی جنسی} \\
 &+ ۴/۰۹ \times \text{تربیت فرزند} \\
 &+ -۲۳/۴۷
 \end{aligned}$$

در جدول ۹ میزان R^2 و میزان تغییرات آن با اضافه شدن هر متغیر جدید آورده شده‌است. با توجه به نتایج مندرج در جدول، با اضافه شدن متغیر دوم (مهارت حل مسأله) ۰/۰۸، متغیر سوم (رضایت از فرزند) ۰/۰۲، متغیر چهارم (پرخاش‌گری) ۰/۰۲، و متغیر ششم (قراردادگرایی) ۰/۰۱ به مقدار واریانس تبیین‌شده به وسیله‌ی اولین متغیر (زمان با هم بودن) اضافه شده‌است. در مجموع، این متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، ۹۵ درصد واریانس را تبیین می‌کنند ($r^2 = ۰/۹۵$) و نقش عوامل باقی‌مانده فقط به ۰/۰۵ می‌رسد.

جدول ۹- ضرایب هم‌بستگی چندگانه و شاخص‌های تجزیه و تحلیل برازش چندمتغیره (زن و مادر زن)

گام	ضریب هم‌بستگی چندگانه	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین خطای استاندارد	مقدار تغییر R^2
۱	۰٫۸۹	۰٫۷۹	۱۱٫۵۹	۰٫۷۹۰
۲	۰٫۹۳	۰٫۸۷	۹٫۱۲	۰٫۰۸۰
۳	۰٫۹۴	۰٫۸۹	۸٫۳۵	۰٫۰۲۱
۴	۰٫۹۵	۰٫۹۱	۷٫۳۵	۰٫۰۲۰
۵	۰٫۹۶	۰٫۹۲	۶٫۹۹	۰٫۰۰۸
۶	۰٫۹۶	۰٫۹۳	۶٫۴۷	۰٫۰۱۰
۷	۰٫۹۷	۰٫۹۴	۶٫۰۵	۰٫۰۰۸
۸	۰٫۹۷	۰٫۹۴	۵٫۹۱	۰٫۰۰۳
۹	۰٫۹۷	۰٫۹۴	۵٫۷۶	۰٫۰۰۳
۱۰	۰٫۹۷	۰٫۹۵	۵٫۶۵	۰٫۰۰۲
۱۱	۰٫۹۷	۰٫۹۵	۵٫۳۹	۰٫۰۰۴
۱۲	۰٫۹۷	۰٫۹۵	۵٫۴۰	-۰٫۰۰۱

همان گونه که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، پس از انجام محاسبات برازش طی ۱۲ گام، در مرحله‌ی ۱۲ مشخص شد که آشنفگی زناشویی مادر زن در زمینه‌های رابطه‌ی جنسی، تربیت فرزند، ارتباط عاطفی، تاریخچه‌ی مشکلات خانواده، جهت‌گیری نقش، آشنفگی کلی، پرخاش‌گری، حل مسأله و زمان با هم بودن، از عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی آشنفگی زناشویی زن است.

جدول ۱۰- ضرایب برازش گام‌به‌گام

بین عوامل تشکیل‌دهنده‌ی آشنفگی‌های زناشویی مادر زن و نمره‌ی ملاک آشنفگی زناشویی زن

متغیر پیش‌بینی‌کننده	ضریب متغیر	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	ع	سطح معناداری
رابطه‌ی جنسی	۱٫۱۰	۰٫۲۸	۰٫۱۴	۳٫۸۳	۰٫۰۰۰
تربیت فرزند	-۱٫۳۴	۰٫۲۸	-۰٫۱۴	-۴٫۳۶	۰٫۰۰۰
ارتباط عاطفی	-۱٫۶۱	۰٫۳۲	-۰٫۲۳	-۴٫۹۸	۰٫۰۰۰
تاریخچه‌ی مشکلات خانواده	-۱٫۴۳	۰٫۳۵	-۰٫۱۱	-۴٫۰۷	۰٫۰۰۰
جهت‌گیری نقش	۳٫۰۴	۰٫۴۴	۰٫۱۹	۶٫۹۲	۰٫۰۰۰
آشنفگی کلی	۱٫۴۸	۰٫۲۶	۰٫۳۶	۵٫۵۳	۰٫۰۰۰
پرخاش‌گری	۰٫۸۷	۰٫۲۶	۰٫۱۳	۳٫۳۴	۰٫۰۰۱
حل مسأله	۲٫۹۱	۰٫۲۶	۰٫۴۰	۱۰٫۸۹	۰٫۰۰۰
زمان با هم بودن	۲٫۱۰	۰٫۴۳	۰٫۲۵	۴٫۸۲	۰٫۰۰۰
ضریب ثابت	-۱۳٫۰۴	۴٫۸۶		-۲٫۶۸	۰٫۰۰۸



معادله‌ی پیش‌بینی به شرح زیر است:

$$\begin{aligned} \text{آشفتگی زناشویی زن} &= ۱٫۱۰ \times \text{رابطه‌ی جنسی} \\ &+ ۱٫۲۴ \times \text{تربیت فرزند} \\ &+ ۱٫۶۱ \times \text{ارتباط عاطفی} \\ &+ ۱٫۴۳ \times \text{تاریخچه‌ی مشکلات خانوادگی} \\ &+ ۳٫۰۴ \times \text{جهت‌گیری نقش} \\ &+ ۱٫۴۸ \times \text{آشفتگی کلی} \\ &+ ۰٫۸۷ \times \text{پرخاش‌گری} \\ &+ ۲٫۹۱ \times \text{حل مسأله} \\ &+ ۲٫۱۰ \times \text{زمان با هم بودن} \\ &- ۱۳٫۰۴ \end{aligned}$$

بحث و نتیجه‌گیری

بین آشفتگی زناشویی مادران با آشفتگی فرزندان همسر دار آنها رابطه وجود دارد. نتایج ضریب هم‌بستگی بین نمره‌ی کل آشفتگی زناشویی مادر و فرزندان همسر دار دختر و پسر، به ترتیب، ۰/۹۴ و ۰/۸۷ بود و بین آشفتگی زناشویی مادران و فرزندان همسر دار آنها در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ ، رابطه‌ی مستقیم و معنادار وجود داشت.

نتایج محاسبات برازش چندمتغیره نشان داد خرده‌مقیاس رابطه‌ی جنسی، تربیت فرزند، ارتباط عاطفی، تاریخچه‌ی مشکلات خانوادگی، جهت‌گیری نقش، آشفتگی کلی، پرخاش‌گری، حل مسأله و زمان با هم بودن، پیش‌بینی‌کننده‌ی آشفتگی زناشویی زنان است و در مجموع، متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، ۹۵ درصد واریانس را تبیین می‌کنند و نقش عوامل باقی‌مانده فقط به ۰/۰۵ می‌رسد.

خرده‌مقیاس‌های پرخاش‌گری، ارتباط عاطفی، جهت‌گیری نقش، زمان با هم بودن، تاریخچه‌ی مشکلات خانواده، حل مسأله، رابطه‌ی جنسی، و تربیت فرزند پیش‌بینی‌کننده‌ی آشفتگی زناشویی پسران همسر دار است و در مجموع، متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، ۹۳ درصد واریانس را تبیین می‌کنند و نقش عوامل باقی‌مانده فقط به ۰/۰۷ می‌رسد.

این نتایج هم‌سو با نظریه‌های مبتنی بر روی‌کرد روان‌پویشی و نظریه‌های شناختی-رفتاری است؛ بر اساس نظریه‌های مبتنی بر روی‌کرد روان‌پویشی، افراد به صورت ناخودآگاه، تجربه‌های روابط نخستین و روابط عاطفی ناهشیار با والدین‌شان را در روابط صمیمانه و زندگی زناشویی خود فراقکنی می‌کنند و در نظریه‌های شناختی-رفتاری نیز فرض بر این است که هر یک از همسران، باورهای اصلی (طرح‌واره‌های ارتباطی) درباره‌ی خود و روابط صمیمی را، که در طی تجربه‌های گذشته و بر اساس ارتباط با خانواده‌ی اصلی شکل

گرفته‌است، با خود به رابطه‌ی زناشویی می‌آورند. بر پایه‌ی نظریه‌های شناختی-اجتماعی، فرزندان تمایل دارند از روش‌های مشابه والدین‌شان در حل مسأله، حل تعارض (پوتوی و ویگنولز ۲۰۰۸)، ابراز احساسات و عواطف مثبت و منفی در موقعیت‌های تعارض (بروک، وایتمن، و لو ۲۰۰۲)، و بروز خشم و عصبانیت در روابط بین‌فردی (دونی، پردی، و نیتز-اسکافر ۱۹۹۹) استفاده کنند؛ در واقع، بر پایه‌ی این نظریه‌ها، افراد، با حمل مشکلات و آشفتگی‌های زناشویی پدر و مادرشان، آن‌ها را در زندگی زناشویی خویش احیا و تکرار می‌کنند. یافته‌های این پژوهش هم‌چنین با بررسی‌های انجام‌گرفته به وسیله‌ی رضایی (۱۳۷۸)، برگرفته از رسولی (۱۳۸۰)، رسولی (۱۳۸۰)، بوث و آمانو (۲۰۰۱)، تالمن، روتولو، و گری (۲۰۰۱)، کرج‌مر و جاکوویتز (۲۰۰۲)، ارن‌سافت و هم‌کاران (۲۰۰۳)، ساباتلی و بارتل-هرینگ (۲۰۰۳)، هال‌فورد و هم‌کاران (۲۰۰۲)، برادبوری و کرنی (۲۰۰۴)، کورا و آلن (۲۰۰۴)، لاوسون و بروسارت (۲۰۰۴)، وامپلر و هم‌کاران (۲۰۰۴)، پرن و هم‌کاران (۲۰۰۵)، سگرین، نیلور، و آلتمن (۲۰۰۵)، شی‌ور و میکولین‌سر (۲۰۰۵)، کلهور (۲۰۰۵)، بریکر (۲۰۰۶)، و گودمن (۲۰۰۷) هم‌سو است.

نتایج نشان می‌دهد در مورد زیرمقیاس‌های رابطه‌ی عاطفی، حل مسأله، پرخاش‌گری، مسائل جنسی، و مسائل مالی، بین مادران و فرزندان همسردار آن‌ها نیز هم‌بستگی مستقیم و معناداری در سطح $p < 0.0001$ وجود دارد.

ضریب هم‌بستگی در خرده‌مقیاس ارتباط عاطفی بین مادر و فرزندان همسردار دختر و پسر، به ترتیب، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ است، که در سطح $p < 0.0001$ معنادار است؛ هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهد آشفتگی زناشویی مادران در زمینه‌ی ارتباط عاطفی، یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های آشفتگی زناشویی فرزندان همسردار آن‌ها است. این نتایج با نظریه‌ی سیستم‌های خانوادگی بوئن و دیدگاه شناختی-رفتاری هم‌سو است. بر پایه‌ی نظریه‌ی بوئن، سیستم عاطفی خانوادگی هسته‌یی، یک مفهوم چندنسلی است؛ به این معنا که افراد گرایش دارند سبک ارتباطی آموخته‌شده در خانوادگی اصلی خویش را در همسرگزینی و سایر روابط مهم تکرار کنند و الگوهایی مشابه را به فرزندان‌شان انتقال دهند (گلدن‌بری و گلدن‌بری ۱۳۸۲). بر اساس دیدگاه شناختی-رفتاری، زوج‌ها مهارت‌های حل تعارض و مهارت‌های لازم را برای حفظ صمیمیت، از طریق الگوگیری از رفتارهای والدینی یاد می‌گیرند. پژوهش‌های بوث و آمانو (۲۰۰۱)، کرج‌مر و جاکوویتز (۲۰۰۲)، ساباتلی و بارتل-هرینگ (۲۰۰۳)، برادبوری و کرنی (۲۰۰۴)، لاوسون و بروسارت (۲۰۰۴)، وامپلر و هم‌کاران (۲۰۰۴)، شی‌ور و میکولین‌سر (۲۰۰۵)، کلهور (۲۰۰۵)، و گودمن (۲۰۰۷) نیز با یافته‌های این پژوهش هم‌سو است.



ضرایب هم‌بستگی مشاهده‌شده در خرده‌مقیاس پرخاش‌گری بین مادر و فرزندان همسردار دختر و پسر، به ترتیب، $۰/۵۶$ و $۰/۷۳$ است، که در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنادار اند؛ به این معنا که بین آشفتگی زناشویی مادر و فرزند همسردار در این زمینه رابطه وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد آشفتگی زناشویی مادران در زمینه‌ی پرخاش‌گری، یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های آشفتگی زناشویی فرزندان همسردار آن‌ها است. بر اساس دیدگاه شناختی-رفرناری، کودکانی که شاهد خشونت زناشویی پدر و مادر خود بودند آن را یاد گرفته، در رابطه‌ی زناشویی خود تکرار می‌کنند. پژوهش‌های *ارن‌سافت* و هم‌کاران (۲۰۰۳)، *هال‌فوردر* و هم‌کاران (۲۰۰۳)، *استوری* و هم‌کاران^۱ (۲۰۰۴)، *برادبوری* و *کرنی* (۲۰۰۴)، *کورا* و *آلن* (۲۰۰۴)، *کله‌ور* (۲۰۰۵) و *گودمن* (۲۰۰۷) با یافته‌های پژوهش هم‌سو است.

ضرایب هم‌بستگی مشاهده‌شده در خرده‌مقیاس حل مسأله بین مادر و فرزندان همسردار دختر و پسر، به ترتیب، $۰/۸۸$ و $۰/۸۷$ است، که در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنادار اند؛ به این معنا که بین آشفتگی زناشویی مادر با فرزند همسردار در این زمینه رابطه وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد آشفتگی زناشویی مادران در زمینه‌ی حل مسأله، یکی دیگر از پیش‌بینی‌کننده‌های آشفتگی زناشویی فرزندان همسردار آن‌ها است. ادراک همسران از خانواده‌ی اصلی (مادر)، به طوری معنادار روی سازگاری زناشویی اثر دارد و افرادی که بعد از ازدواج پاسخ‌گوی انتظارات و نیازهای عاطفی همسران‌شان بودند الگویی عملی از تعامل‌ها، مدیریت حل تعارض، و صمیمیت را در خانواده‌ی اصلی‌شان داشته‌اند؛ در واقع، همسران، مهارت‌های حل تعارض و مهارت‌های لازم را برای حفظ صمیمیت، از طریق الگوگیری از رفتارهای والدینی یاد می‌گیرند. پژوهش‌های *رضایی* (۱۳۷۸، برگرفته از رسولی ۱۳۸۰)، *بوت* و *آماتو* (۲۰۰۱)، *اشنی‌ویند* و *گردهارد*^۲ (۲۰۰۲)، *بروک*، *وایت‌من*، و *کو* (۲۰۰۲)، *ساباتلی* و *بارتل-هرینگ* (۲۰۰۳)، *استوری* و هم‌کاران (۲۰۰۴)، *برادبوری* و *کرنی* (۲۰۰۴)، *شنی‌ور* و *میکولین‌سر* (۲۰۰۵)، *گودمن* (۲۰۰۷)، و *پوتاوی* و *ویگ‌نولز* (۲۰۰۸) با نتایج پژوهش هم‌سو است.

ضرایب هم‌بستگی مشاهده‌شده در خرده‌مقیاس مسائل جنسی، بین مادر و فرزندان همسردار دختر و پسر، به ترتیب، $۰/۹۲$ و $۰/۷۸$ است، که در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنادار اند؛ به این معنا که بین آشفتگی زناشویی مادر با فرزند همسردار در این زمینه رابطه وجود دارد؛ هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهد آشفتگی زناشویی مادران در زمینه‌ی مسائل جنسی، یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های آشفتگی زناشویی فرزندان همسردار آن‌ها است. رضایت جنسی از جمله

^۱ Story Lisa B., Benjamin R. Karney, Erika Lawrence, and Thomas N. Bradbury

^۲ Schneewind, Klaus A., and Anna-Katharina Gerhard

عوامل مؤثر در رضایت زناشویی زوجها است و در شرایطی که رابطه‌ی گرم و صمیمانه‌ی زن و شوهر، به دلیل بروز مشکلات در زمینه‌های مختلف، تبدیل به رابطه‌ی سرد و پر تعارض شود، خواه ناخواه بر خصوصی‌ترین رابطه‌ی آنان، یعنی رابطه‌ی جنسی، نیز اثر منفی می‌گذارد؛ به عبارت دیگر، رابطه‌ی جنسی کم و ناخوشایند، منشأ آشفتگی در زوج‌های مشکل‌دار است. بر اساس نظریه‌های مبتنی بر روی‌کرد روان‌پوشی، رابطه با والدین، به‌ویژه رابطه‌ی مادر-کودک و فراق‌کنی آن به روابط صمیمانه‌ی بعدی، تعیین‌کننده‌ی کارکرد فرد در رابطه‌ی صمیمانه‌ی زناشویی است و رابطه‌ی جنسی ابزاری مهم برای تجربه‌ی صمیمیت است. نظریه‌ی شناختی-رفتاری، با تأکید بر اصول یادگیری، معتقد است باورها و طرح‌واره‌های هر یک از همسران درباره‌ی روابط صمیمانه، از والدین یاد گرفته‌شده، در تعامل‌های زناشویی دخالت داده‌می‌شود. برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی آشفتگی زناشویی، از جمله پژوهش‌های کرج‌مر و جاکووینتر (۲۰۰۲)، هال‌فورد و هم‌کاران (۲۰۰۳)، واسپلر و هم‌کاران (۲۰۰۴)، و کله‌ور (۲۰۰۵)، فرض بالا را مورد تأیید قرار داده‌اند.

پیشنهاد

- بنا بر آنچه گفته‌شد و با توجه به نقش و اهمیتی که خانواده‌ی اصلی در بروز آشفتگی زناشویی دارد، مشاوران خانواده می‌توانند در فرآیند مشاوره و درمان، از نتایج پژوهش حاضر استفاده کنند.
- نتایج این پژوهش برای پژوهش‌هایی از این دست، که به بررسی آشفتگی زناشویی و مشکلات خانواده‌ها می‌پردازند، قابل استفاده و استناد است.
- محدودیت پژوهش، تعمیم‌پذیری محدود نتایج است و این محدودیت به دو دلیل است؛ اول این که برای انتخاب آزمودنی‌های گروه نمونه، از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده شد، و دوم این که در روش پژوهش تطبیقی یا علی-مقایسه‌یی، در مقایسه با پژوهش‌های آزمایشی، کنترل کم‌تری روی متغیرهای ناخواسته انجام می‌گیرد.
- در این پژوهش فقط مادران مورد بررسی قرار گرفتند و پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌های آینده، پرسش‌نامه روی هر دو جنس اجرا شود.



- ثنایی ذاکر، باقر. ۱۳۷۸. «نقش خانواده‌ی اصلی در ازدواج فرزندان» تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره ۱(۲):۲۱-۴۵.
- رسولی، محسن. ۱۳۸۰. «رابطه‌ی بین الگوهای ارتباطی زن و شوهر و الگوهای ارتباطی والدین آنها». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت‌معلم، تهران.
- سلیمانیان، علی‌اکبر. ۱۳۸۴. «تعیین اثربخشی مشاوره‌ی انگیزشی نظام‌مند گروهی بر کاهش آشنقتگی زناشویی». فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی انجمن مشاوره‌ی ایران ۴(۱۶):۹-۲۳.
- گلدن‌برگ، ایرنه، و هربرت گلدنبرگ. ۱۳۸۲. *خانواده‌درمانی*. برگردان حمیدرضا حسین‌شاهی براواتی و سیامک نقشبندی. تهران: نشر روان.
- Boszormenyi-Nagy, Ivan, and Geraldine M. Spark. 1973. *Invisible Loyalties*. New York, NY, USA: Harper & Row.
- Booth, Alan, and Paul R. Amato. 2001. "Parental Predivorce Relations and Offspring Postdivorce Well-Being." *Journal of Marriage and Family* 63(1):197-212.
- Bradbury, Thomas N., and Benjamin R. Karney. 2004. "Understanding and Altering the Longitudinal Course of Marriage." *Journal of Marriage and Family* 66(4):862-879.
- Bricker, Dale. 2006. "The Link between Marital Satisfaction and Emotional Intelligence." MA Dissertation, Department of Psychology, University of Johannesburg, Johannesburg, South Africa.
- Brook, Judith S., Martine Whiteman, and Zheng Lu. 2002. "Intergenerational Transmission of Risks for Problem Behavior." *Journal of Abnormal Child Psychology* 30(1):65-76.
- Coie, John D., Norman F. Watt, Stephen G. West, J. David Hawkins, Joan R. Asarnow, Howard J. Markman, Sharon L. Ramey, Myrna B. Shure, and Beverly Long. 1993. "The Science of Prevention: A Conceptual Framework and Some Directions for a National Research Program." *The American Psychologist* 48(10):1013-1022.
- Downey, Geraldine, Valerie Purdie, and Rebecca Neitz-Scaffner. 1999. "Anger Transmission from Mother to Child: A Comparison of Mothers in Chronic Pain and Well Mothers." *Journal of Marriage and Family* 61(1):62-73.
- Ehrensafit, Miriam K., Patricia Cohen, Jocelyn Brown, Elizabeth Smailes, Henian Chen, and Jeffrey G. Johnson. 2003. "Intergenerational Transmission of Partner Violence: A 20-Year Prospective Study." *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 71(4):741-753.
- Epstein, Norman, Donald H. Baucom, and Lynn A. Rankin. 1993. "Treatment of Marital Conflict: A Cognitive-Behavioral Approach." *Clinical Psychology Review* 13(1):45-57.
- Goodman, Catherine Chase. 2007. "Family Dynamics in Three-Generation Grandfamilies." *Journal of Family Issues* 28(3):355-379.

- Halford, W. Kim, Howard J. Marknan, Galena H. Kline, and Scott M. Stanley. 2003. "Best Practice in Couple Relationship Education." *Journal of Marital and Family Therapy* 29(3):385-406.
- Kaura, Shelby A., and Craig M. Allen. 2004. "Dissatisfaction with Relationship Power and Dating Violence Perpetration by Men and Women." *Journal of Interpersonal Violence* 19(5):576-588.
- Klever, Phillip. 2005. "The Multigenerational Transmission of Family Unit Functioning." *American Journal of Family Therapy* 33(3):253-264.
- Kretchmar, Molly D., and Deborah B. Jacobvitz. 2002. "Observing Mother-Child Relationships across Generations: Boundary Patterns, Attachment, and the Transmission of Caregiving." *Family Process* 41(3):351-374.
- Lawson, David M., and Daniel F. Brossart. 2004. "The Developmental Course of Personal Authority in the Family System" *Family Process* 43(3):391-409.
- Means-Christensen, Adrienne J., Douglas K. Snyder, and Charles Negy. 2007. "Assessing Nontraditional Couples: Validity of the Marital Satisfaction Inventory-Revised with Gay, Lesbian, and Cohabiting Heterosexual Couples." *Journal of Marital and Family Therapy* 29(1):69-83.
- Perren, Sonja, Agnes Von Wyl, Dieter Burgin, Heidi Simoni, and Kai Von Klitzing. 2005. "Intergenerational Transmission of Marital Quality across the Transition to Parenthood." *Family Process* 44(4):441-459.
- Powdthavee, Nattavudh, and Anna Vignoles. 2008. "Mental Health of Parents and Life Satisfaction of Children: A Within-Family Analysis of Intergenerational Transmission of Well-being." *Social Indicators Researches* 88(3):397-422.
- Sabatelli, Ronald M., and Suzanne Bartle-Haring. 2003. "Family-of-Origin Experiences and Adjustment in Married Couples." *Journal of Marriage and the Family* 65(1):159-169.
- Segrin, Chris, Melissa E. Taylor, and Julie Altman. 2005. "Social Cognitive Mediators and Relational Outcomes Associated with Parental Divorce." *Journal of Social and Personal Relationships* 22(3):361-377.
- Schneewind, Klaus A., and Anna-Katharina Gerhard. 2002. "Relationship Personality, Conflict Resolution, and Marital Satisfaction in the First 5 Years of Marriage." *Family Relations* 51(1):63-71.
- Shaver, Phillip R., and Mario Mikulincer. 2005. "Attachment Theory and Research: Resurrection of the Psychodynamic Approach to Personality." *Journal of Research in Personality* 39(1):22-45.
- Story Lisa B., Benjamin R. Karney, Erika Lawrence, and Thomas N. Bradbury. 2004. "Interpersonal Mediators in the Intergenerational Transmission of Marital Dysfunction." *Journal of Family Psychology* 18(3):519-529.
- Tallman Irving, Thomas Rotolo, and Louis N. Gray. 2001. "Continuity or Change? The Impact of Parents' Divorce on Newly Married Couples." *Social Psychology Quarterly* 64(4):333-346.
- Van Epp, John. 2008. *How to Avoid Falling in Love with a Jerk*. New York, NY, USA: McGraw-Hill.



Wampler, Karen S., Lin Shi, Briana S. Nelson, and Thomas G. Kimball. 2004. "The Adult Attachment Interview and Observed Couple Interaction: Implications for an Intergenerational Perspective on Couple Therapy." *Family Process* 42(4):497-515.

نویسندگان

دکتر سیمین حسینیان،

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه الزهرا

hosseins1381@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای تخصصی مشاوره، دانشگاه UCLA^۱، لوس‌آنجلس، کالیفورنیا، آمریکا. از وی تا کنون کتاب‌های مفاهیم بنیادی و مباحث تخصصی در مشاوره، ناسازگاری و مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان، اخلاق حرفه‌یی در مشاوره و روان‌شناسی، زمینه‌ی مشاوره و راهنمایی، و واقعیت مجازی در روان درمانی چاپ شده‌است. وی همچنین مقالات بسیاری در زمینه‌ی مشاوره و زنان نگاشته‌است.

^۱ University of California at Los Angeles (UCLA), Los Angeles, CA, USA

فاطمه حسینی،

مدرس دانشگاه علمی کاربردی، تربیت معلم، و پیام نور

parvaz1380@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۳. پژوهش‌های وی در زمینه‌ی خانواده و زنان است. وی کارشناس مسئول و مشاور سه طرح کشوری و هم‌کار در دو طرح دانشگاهی بوده و سه مقاله در نشریات علمی-پژوهشی نگاشته‌است.

اعظم شفیعی‌نیا،

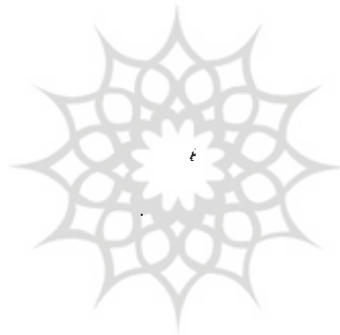
مشاور کلینیک مشاوره و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

maktoob1384@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی مشاوره و راهنمایی، دانشگاه الزهرا. مدرس دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه الزهرا. پژوهش‌های وی در زمینه‌ی خانواده و زنان است. وی در دو طرح پژوهشی دانشگاه الزهرا هم‌کاری داشته و چهار مقاله در نشریات علمی-پژوهشی نگاشته‌است.

سوگند قاسمزاده،

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه الزهرا



پڙو، شڪاهه علوم انساني و مطالعات فرېنجي
پرتمال جامع علوم انساني